



دنیا را میدان مبارزه خود می‌دید...

«شهید منتظری، نهضت‌های آزادی‌بخش و دغدغه جهانی» در

گفت و شنود با آیت‌الله سید محمد تقی مدرسی

• درآمد

زندگی پرشور و حادثه شهید منتظری قبل از هر چیز تعلق خاطر او را به قشرهای محروم و مظلومین نشان می‌دهد که برای رفع رنج آنان چه در روابط فردی و چه در سطح ملی و بین‌المللی، از بذل مال و جان خود دریغ نداشت و برای خود هیچ چیز نمی‌خواست. این گفتگو مشحون از چنین ویژگی شریفی است.

حقیقت بایستد. خصلت دوم وی، ایمان به ملت بود و ما دیدیم که تاکید می‌کرد باید شسورهای مردمی در ایران ایجاد گردد و همه مردم آزادانه صحبت کنند، رای دهند و حق گفت و شنود داشته باشند تا رشد انقلابی و روح مسئولیت و تعهد مردم بسالا برود و مردم واقعا در صحنه باشند. شهید منتظری همچنین به رهبریت امام و بر اینکه رهبریت ایشان را باید در سطح جهان مطرح کرد، ایمان داشت. شاید او دومین کسی بود که دقیقا خط امام را مطرح کرد.

نحوه رابطه شهید محمد منتظری با جنبش‌ها چگونه بود و شهادتش چه اثراتی بر آنها داشت؟ در خدمت آیت‌الله منتظری بودم، اظهار داشتیم، اگر شما پسری را از دست دادید، کسانی در ایران هستند که با شهادت شیخ محمد پداری از دست داده‌اند، ایشان می‌گفتند: خیر باید بگویند برادری، گفتم: او برادر بود، ولی بیش از یک برادر برای آنها زحمت می‌کشید. عشق به انقلاب در او به حدی رسیده بود که می‌گفت چرا مسلمانان دیگر و مردم جهان از آن بی‌بهره باشند؟

نظرات وی در باره جبهه ملی، لیبرال‌ها و ملی‌گراها خیلی شدید و سخت و بلکه خشن بود و شاید از این ریشه گرفته بود که فکر می‌کرد آنها مانع صدور انقلاب اسلامی به جهان هستند. او به بسیاری از کشورهای مستضعف رفته و با مستضعفین آنها زندگی کرده بود. او به افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، سوریه، مصر و غیره رفته و رنجی را که آنها می‌بردند و علاقه‌شان به انقلاب اسلامی را مشاهده کرده بود و به همین دلیل به جنبش‌های آزادی‌بخش عشق می‌ورزید و می‌کوشید که این انقلاب را به این کشورها صادر کند. مدافع آنها بود و گاهی اوقات هزار تومان قرض می‌کرد و تایی می‌خرید که به فلان جنبش بدهد که آنها هم بتوانند اعلامیه‌های خودشان را چاپ کنند. گاهی فرش منزل خود را به یک جنبش می‌داد که بتواند به حرکت ادامه دهد و گاهی اوقات خودش را به مخاطره می‌انداخت که یک جنبش بتواند وجود پیدا کند، نقش او نسبت به جنبش‌ها نقش یک عاشق بود و واقعا به آن عشق می‌ورزید. شیخ محمد پیش از آنکه یک الگو باشد، یک برادر نزدیک، یک پدر مهربان و یک دوست دوست‌داشتنی بود، لذا افراد جنبش‌ها نیز به ایشان عشق می‌ورزیدند. ■

مردم، نمی‌توانستند شناسایی‌اش کنند. مسئله خاکی بودن در مبارزه یکی از شرایط اساسی پیروزی است، زیرا خداوند دوست دارد کسانی که در راهش کار می‌کنند، به هیچ وجه منبت نداشته باشند. ضمنا با برخورداری از این صفت، در مسایل اقتصادی خیلی صرفه‌جویی می‌کرد. یادم می‌آید یک وقت می‌خواستیم از دمشق نزد آقای سید موسی صدر برویم، ایشان ما را ۷ تا ۸ کیلومتر پیاده راه برد تا از پول انقلاب صرف نشود، همچنین ایشان هیچ‌گاه پولی بابت هتل نمی‌داد و در سفر حج در منا، عرفات، مکه و مدینه هیچ جایی را اجاره نکرد و در مسجدالحرام یا خیابان می‌خوابید و حتی حاضر نشد یک زیرپله‌ای را که پیدا شده بود، اجاره نماید.

پس از پیروزی انقلاب وقتی احساس کرد که در ایران انحراف در کار است، به طور جدی در مقابل آن مقاومت کرد و دست به افشاکاری و فعالیت زد و همچنان که امام فرمودند در این راه سسر از پای نمی‌شناخت. بارها آیت‌الله

بسیار فروتن و بی‌آلایش و دور از هر نوع تظاهر بود، لذا با وجود شرایط سخت امنیتی که در داخل و خارج وجود داشت، مردم، نمی‌توانستند شناسایی‌اش کنند. مسئله خاکی بودن در مبارزه یکی از شرایط اساسی پیروزی است، زیرا خداوند دوست دارد کسانی که در راهش کار می‌کنند، به هیچ وجه منبت نداشته باشند. ضمنا با برخورداری از این صفت، در مسایل اقتصادی خیلی صرفه‌جویی می‌کرد.

منتظری به ما امر کردند که به ایشان بگوئیم یک مقدار استراحت کند، با این گونه فعالیت‌ها خود را تلف می‌کند. من می‌رفتم و به او می‌گفتم و او می‌گفت: «من کی در زندگی استراحت کرده‌ام که حالا این کار را بکنم؟ حالا که این همه خطر هست؟ کار و زندگیم این گونه شکل گرفته است.» واقعا هم همین طور بود و این قابل ستایش است که کسی حقیقتی را دریابد و هیچ چیز را مانع این نداند که حقیقت را بگوید و تاریختن خون خودش در راه گفتن

چه زمانی با آقای محمد منتظری آشنا شدید و خصوصیات ایشان چه بود؟

در سال ۱۹۷۵ میلادی با وی در شهر بیروت ملاقات کردم. البته نمی‌دانستم که او کیست؟ فقط او را در رابطه با روحانیت خط امام می‌شناختم. در آن وقت به دلایل امنیتی به ابوالاحمد معروف بود. برای بررسی خصوصیات شهید منتظری می‌توانیم دو نوع خصلت وی در پیش و پس از پیروزی انقلاب را بیان کنیم پیش از پیروزی در خارج از کشور کمتر روزی بود که بیش از سه ساعت استراحت کند و در کنار کار سخت نوشتن بیانیه‌ها، نامه‌ها، کتاب و گذاشتن قرار در شرایط سخت امنیتی، به عبادت نیز مشغول بود. بسیار پویا بود، به طوری که در طول چند روز به چند کشور مسافرت می‌کرد و به عبارت دیگر، دنیا را میدان مبارزه خود می‌دید و هسکاری در هرجایی که بود بی‌دریغ به سوی آن می‌شتافت. از خصلت‌های مهم دیگر وی، شجاعت بود، کارهایی را که دیگران از آن سرباز می‌زدند و می‌ترسیدند، خود بر گردن می‌گرفت، لذا در زندان‌های اغلب کشورهای منطقه بازداشت شده بود.

روزی در کویت بودیم که با ما خداحافظی کرد و به قصد دیدار امام راهی عراق شد، ۱۴ روز در عراق بود، پس از این مدت که او را دیدیم، گفتم کجا بودی؟ اظهار داشت، در طول این مدت در زندان عراق به سر می‌بردم، روزها و شب‌های بسیاری را در فرودگاه‌ها به سر می‌برد، زیرا اغلب یا ویزا نداشت، یا گذرنامه‌اش اشکال داشت، لذا راهش نمی‌دادند و در قسمت ترانزیت فرودگاه، با تلفن‌های مختلف کارش را راه می‌انداخت.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تحلیل‌های خوبی از انقلاب داشت و خطوط سیاسی را کاملا می‌شناخت. در آن زمان دقیقا مطرح می‌کرد که باید خط جبهه ملی و گروه‌های غرب‌زده را کور کرد، لذا برای جلوگیری از انحراف باید رهبریت امام را در مقیاس گسترده‌ای و در سطح جهان مطرح کنیم، به همین دلیل یک اعتصاب سیاسی در پاریس برگزار کرد و برای چهلم دکتر شریعتی هم مراسم ختمی را در بیروت برپا کرد. برای تثبیت رهبریت امام و روحانیت در جهان هر کاری می‌کرد.

بسیار فروتن و بی‌آلایش و دور از هر نوع تظاهر بود، لذا با وجود شرایط سخت امنیتی که در داخل و خارج وجود داشت، به دلیل همین بی‌آلایشی و همراه بودن با